

ملاحظات روشی در اندیشه‌شناسی امام خمینی(ره): با تأکید بر تعلیم و تربیت و سیاست#

مجتبی همتی فر^۱
بختیار شعبانی ورکی^{۲*}
جمیله علم‌الهدی^۳
شریف لکزایی^۴

چکیده

هدف: روشمندی اندیشه‌شناسی را می‌توان اصلی‌ترین هدف مقاله حاضر دانست. مدعای نویسندگان آن است که با بکارگیری ملاحظات روشی ذکر شده می‌توان تا حد قابل توجهی از سوءفهم در پژوهش در اندیشه‌های امام خمینی(ره) برکنار ماند و در عین حال می‌توان به مفهوم‌پردازی و الگوبردازی‌های بدیع نیز دست یافت. **روش‌شناسی پژوهش:** با بهره‌گیری از روش پژوهش ترکیبی، از یک سو با ارزیابی و آسیب‌شناسی پژوهش‌های پیشین و از سوی دیگر با استخراج دلالت‌های رویکردهای روشی مختار متن‌پژوهی (به‌ویژه هرمنوتیک و تحلیل مفهومی)، ملاحظات روشی برای اندیشه‌شناسی امام خمینی(ره) به همراه مصادیق مؤیدی از آثار ایشان از دو حوزه تعلیم و تربیت و سیاست ارائه گردیده است.

یافته‌ها: اهم یافته‌های پژوهش درباره ملاحظات روشی اندیشه‌شناسی عبارت‌اند از: شناسایی و تبیین بحران‌های زمینه‌ای، بررسی موضع معرفت‌شناختی اندیشمند (همچون میناگرایی)، توجه به تطورات روبنایی و یا زیربنایی فکری احتمالی اندیشمند، کتاب‌شناسی اندیشمند، توجه به ملاحظات اصطلاح‌شناسی هر اندیشمند، تحلیل شبکه مفهومی مفاهیم کلیدی مدنظر، لحاظ سیره عملی اندیشمند به‌عنوان مکمل آثار وی و التفات به الگوهای مفهومی ویژه‌ی اندیشمند و مکتب وی.

نتیجه‌گیری: انتظار می‌رود که این یافته‌ها ضمن تأثیر جدی در اندیشه‌شناسی امام خمینی(ره) در تمایز نسبی با یافته‌های پژوهش‌های موجود در این حوزه، بتواند دریچه‌هایی نو به اندیشه ایشان بگشاید. در عین حال به نظر می‌رسد می‌توان تعمیم‌الگوی اندیشه‌شناسی مذکور را به سایر اندیشمندان نیز تعمیم داد.

کلید واژه‌ها: اندیشه‌شناسی، ملاحظات روشی، امام خمینی(ره)، تعلیم و تربیت، سیاست.

*. این مقاله از رساله دکتری نویسنده اول استخراج شده است.

Email: mj.hematifar@gmail.com

۱- دکتری فلسفه تعلیم و تربیت از دانشگاه فردوسی مشهد

Email: bshabani@ferdowsi.um.ac.ir

۲- استاد فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه فردوسی مشهد
(نویسنده مسئول)

Email: g_alamolhoda@sbu.ac.ir

۳- دانشیار فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه شهید بهشتی

Email: sharif_lakzaee@yahoo.com

۴- دانشیار علوم سیاسی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۰۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۳/۲۷

مقدمه

امام خمینی(ره) به دلیل شخصیت فکری و جایگاه ویژه در نظام سیاسی در انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی ایران، مورد توجه پژوهشگران عرصه‌های مختلف دانشی بوده است که تعداد قابل توجه آثار مکتوب و مقالات منتشر شده در باب اندیشه و آثار ایشان شاهدهی بر این توجه است.

پژوهش در وجوه اجتماعی و سیاسی اندیشه ایشان از جمله مهم‌ترین عرصه‌هایی است که به دلیل هنجارین بودن آنها و توأمان شدن با جایگاه راهبری سیاسی و دینی، مورد اقبال پژوهشگران علوم انسانی از جمله سیاست‌پژوهان قرار داشته است که جهان‌بینی و نظام ارزشی معیار خود را در آن جستجو نموده‌اند و حتی به دنبال یافتن راه‌حلهایی در سطح فن برای رفع مسائل جامعه از این رهگذر هستند.

آثار پژوهشی متعددی در تبیین اندیشه امام خمینی(ره) از جمله در حوزه تربیت و سیاست منتشر شده است که از جمله می‌توان به «پژوهشی در تدوین فلسفه تربیتی امام خمینی(ره)» (بختیار نصرآبادی، ۲۰۱۲) و «فلسفه تربیتی نهضت امام خمینی(ره)» (علم‌الهدی، ۲۰۰۶) اشاره نمود. از جمله مهم‌ترین پژوهش‌های صورت گرفته و آثار منتشره با محوریت اندیشه سیاسی امام خمینی(ره) نیز می‌توان به کتاب‌های «سیر تطور تفکر سیاسی امام خمینی(ره)» (لک‌زایی، ۲۰۰۸)، «ساختار جامعه و دولت دینی: تأملی بر اندیشه سیاسی امام خمینی(ره)» (براتعلی‌پور، ۲۰۱۱)، «درآمدی بر مستندات قرآنی فلسفه سیاسی امام خمینی(ره)» (لک‌زایی، ۲۰۱۱) و «اندیشه سیاسی امام خمینی(ره)» (جمشیدی، ۲۰۰۹) اشاره نمود. گرچه این آثار به تناسب به روش پژوهش خود در اندیشه‌شناسی امام خمینی(ره) به اجمال یا تفصیل اشاره کرده‌اند، اما اثر مستقل به منظور بررسی و ارائه الگوی یا ملاحظات کمتر یافت می‌شود. مهم‌ترین اثر در این باره را می‌توان «اندیشه سیاسی امام خمینی(ره)» (لک‌زایی، ۲۰۱۵) دانست که در فصل اول به معرفی روش‌های متعارف اندیشه‌شناسی سیاسی امام خمینی(ره) -همچون روش تحلیل سیستمی، روش بحران، روش مفهومی، روش تحلیل گفتمان و روش راهبردی- و ارزیابی مختصر هر یک پرداخته است و نهایتاً روش میان‌رشته‌ای را توصیه نموده است.

بیان مسأله

عمده پژوهش‌های صورت گرفته در بررسی اندیشه‌ی امام خمینی(ره) از منظر روشی دچار نقصان‌ها و آسیب‌هایی هستند. بخشی از بررسی‌های صورت گرفته در اندیشه امام خمینی(ره) بر محدودی از آثار ایشان - به‌ویژه مجموعه ۲۱ جلدی صحیفه نور- محدود شده و عمدتاً به «تبویب» گزاره‌های ایشان پرداخته‌اند. برخی از این گونه‌ی رایج از امام‌پژوهی، صرفاً گردآوری و تجمیع گزاره‌هایی از ایشان ناظر به موضوع یا مقوله‌ای خاص است. گاهی نیز این گزاره‌ها بر اساس چارچوبی پیشینی و بیرونی سازمان‌دهی گردیده است که خود از چارچوب نظری یا انتظارات پژوهشگران برخاسته است. به‌عنوان نمونه، در حوزه تعلیم و تربیت براساس عناصر مطرح در نظریه‌های تربیتی همچون مفهوم تربیت، اهداف و مبانی و اصول تربیتی،

روش‌های تربیتی، متولیان تعلیم و تربیت، مقاطع و دوره‌های تربیتی و عوامل مؤثر و موانع و غیره سعی شده دیدگاه‌های امام خمینی(ره) فارغ از هر گونه تحلیل دسته‌بندی گردد (همچون: سعادت‌مند، ۲۰۱۱). بسندگی به نقل قول‌ها از امام گرچه فی‌نفسه می‌تواند برای مقاصد هم‌چون آشنایی کلی و اجمالی مخاطبان با ادبیات و اندیشه ایشان سودمند باشد^۱، اما به دلیل فقدان باهم‌نگری و تحلیل نظام‌مند و مبتنی بر اصول روش‌شناختی، نمی‌تواند به نگرشی جامع و صورت‌بندی دقیقی از اندیشه امام خمینی(ره) در آن عرصه یا پاسخ به مسئله پژوهشی مدنظر بیانجامد و حتی می‌توان خطر کج‌فهمی و فهم نامتوازن اندیشه ایشان را تهدید جدی پیش‌رو دانست که متعارض با مقصود پژوهشگران است. قابل تأمل این‌که اندیشه امام خمینی(ره)، به دلیل وجه سیاسی شخصیت ایشان برای برداشت‌های سوء، مستعدتر است که خود نیز نسبت به برداشت‌های سلیقه‌ای از بیانات شفاهی و مکتوب خود به‌ویژه در بین متصدیان امر اعتراض نموده بودند: «من هر وقت هر حرفی را می‌زنم، هر کس بر طبق سلیقه‌ی خود از آن برداشت می‌کند» (خمینی، ۲۰۰۰، ج ۱۹: ۱۸۸).

بر این اساس می‌توان ادعا نمود که یکی از ایرادات عمده‌ی پژوهش‌های انجام شده در این باره، نقص در روشمندی اندیشه‌شناسی است و چه بسا مسیر و یافته‌های پژوهش‌های متمرکز بر امام خمینی(ره) و آثار ایشان را نیز به‌طور منفی تحت شعاع خود قرار داده است. از این وجه باید ملاحظات روش‌شناختی با دقت افزون‌تری رعایت گردد.

بر چنین زمینه‌ای، در این مقاله تلاش شده است تا با التفات ضمنی به رویکردهای پژوهشی مطرح در مواجهه با متن، ملاحظات روشی در اندیشه‌شناسی امام خمینی(ره) مطرح گردد. هر چند در این ملاحظات تمرکز اصلی بر اندیشه امام خمینی(ره) و عرصه‌های تعلیم و تربیت و بعضاً سیاست بوده است، انتظار می‌رود چارچوب و ملاحظات مطرح شده، در اندیشه‌شناسی امام خمینی(ره) در سایر عرصه‌ها و همچنین اندیشه‌شناسی اندیشمندان دیگر نیز راهگشا و الهام‌بخش پژوهشگران باشد و به‌مثابه فنون و ملاحظاتی به پژوهشگران بصیرتی دهد که با متون هوشمندانه و با دقت مواجه گردد. شایان ذکر این‌که ملاحظات مذکور بر اساس ارزیابی و آسیب‌شناسی پژوهش‌های پیشین و همچنین دستاوردهای یکی از پژوهش‌های نویسندگان به‌صورت پس‌گستر استخراج شده است. به اقتضا ملاحظات مربوطه نیز شواهد و نمونه‌هایی از کاربرد آن در اندیشه امام خمینی(ره) با تمرکز بر دو حوزه تربیت و سیاست ذکر گردیده است. در این راستا، با از رویکرد ترکیبی^۲ و اقتضائات آن برای ترکیب سازوار روش‌های مفید و قابل استفاده در اندیشه‌شناسی بهره برده شده است (نک: باقری، سجادیه و توسلی، ۲۰۱۰؛ همتی‌فر و آهنچیان، ۲۰۱۳).

۱. از جمله مهم‌ترین و قابل تأمل‌ترین آثار این چنین می‌توان به مجموعه موضوعی «تبیان» اشاره نمود که در موضوعات متنوع و مختلفی همچون «آزادی»، «انسان‌شناسی»، «اقتصاد»، «ارتش»، «امر به معروف و نهی از منکر»، «تبلیغات (هنر و رسانه‌ها)»، «توحید»، «دانشگاه و دانشگاهیان»، «حج» به تحلیل محتوا آثار امام خمینی(ره) و گردآوری کدهای مربوط به مواضع ایشان در آن موضوع پرداخته است.

هدف پژوهش

هدف اصلی مقاله، «ارائه ملاحظات روشی در اندیشه‌شناسی امام خمینی(ره)» و «سازماندهی به آنها در قالب الگویی برای اندیشه‌شناسی روشمند» است.

۱. در اندیشه‌شناسی امام خمینی(ره) چه ملاحظات روشی قابل توصیه است؟
۲. الگوی اندیشه‌شناسی روشمند ناظر به اندیشه امام خمینی(ره) چیست؟

روش پژوهش

میل یا ضرورت آمیختن چند مفهوم، نظریه یا فنون در رشته‌ها و حوزه‌های مطالعاتی مختلف از جمله مشاوره و فلسفه تعلیم و تربیت باسابقه است، هر چند درباره مباحث نظری آن کمتر تأمل شده است. تلینگز^۱ (۲۰۰۱) و باقری، سجادیه و توسلی (۲۰۱۰) و همتی‌فر و آهنچیان (۲۰۱۳) از جمله پژوهشگرانی هستند که به بحث در این باره پرداخته‌اند. در این باره، دغدغه اصلی خط عبور از مرز میان «ترکیب سازوار^۲» و «ترکیب التقاطی^۳» است که در هر گونه آمیختن محتمل است.

بهره‌گیری توأمان از روش‌های پژوهش در شناخت دقیق‌تر اندیشه‌ی یک اندیشمند نیز به قلمرو مذکور کشیده می‌شود و در این راستا، ترکیب سازوار روش‌ها با رعایت قواعد اهمیت می‌یابد. بر این اساس در این پژوهش تلاش شده است در نگاهی جامع‌نگر و با رعایت گام‌های ترکیب (همچون معیارهای انتخاب عناصر ترکیب، در نظر گرفتن فرانظریه برای زیربنای ترکیب، انتخاب گزینه‌های قابل ترکیب و تعیین سطح و نوع ترکیب اعم از عرضی و طولی) (همتی‌فر، ۲۰۱۳؛ باقری، سجادیه و توسلی، ۲۰۱۰) و با بهره‌گیری از روش‌های رایج متن‌پژوهی - به‌ویژه تحلیل مفهومی و هرمنوتیک - به مجموعه‌ای از ملاحظات روشی برای اندیشه‌شناسی در قالب الگویی ارائه گردد.

ملاحظات روشی ناظر به اندیشه‌شناسی امام خمینی(ره)

در چارچوب پیش‌گفته، مهم‌ترین ملاحظات روشی ناظر به اندیشه‌شناسی امام خمینی(ره) را می‌توان در قالب ۷ ملاحظه با سیری منطقی ارائه نمود:

ملاحظه ۱- توجه به زمینه‌ها با ابتنا بر نظریه‌ی بحران (توماس اسپریگنز)

ناظر به «زمینه‌گرایی»، برای فهم هر متن ترجیحاً باید بر اساس زمینه و شرایط اجتماعی - تاریخی جامعه، پدیده‌ها و اتفاقاتی مطالعه شود که آن متون درصدد تبیین آنها نگارش یافته‌اند (مرتضوی، ۲۰۰۷: ۱۷۳). اسپریگنز (۲۰۱۳) در ذیل چنین رویکردی، «مطالعه راه‌حل‌های ارائه شده» و یا به عبارتی «وظایف، تکالیف و آرمان‌ها (نظریه تجویزی)» را به‌عنوان یکی از روش‌های جستار اندیشه‌ای مطرح نموده است

۱. Tellings

۲. integration

۳. eclecticism

(صص ۲۸-۳۰). این ایده که با عنوان «نظریه بحران» شناخته می‌شود، بر «منطق درونی» در مقابل «منطق بازسازی شده» نظریه‌ها متکی است.

منطق درونی، روش عملی و واقعی است که برای رسیدن به پاسخ‌های سؤالات و راه‌حل‌های مسائل طی شده است که لزوماً منطبق با منطق بازسازی شده نیست و از این رو تکیه صرف بر منطق بازسازی شده، در فهم و استنباط هر مطلبی، نارسا و چه بسا گمراه کننده خواهد بود (اسپریگنز، ۲۰۱۳: ۳۰-۳۱). همچنان که وی نیز بدان اذعان دارد (همان، ۳۸)، این چارچوب اختصاصی به مطالعه نظریه‌های سیاسی ندارد و می‌توان آن را در سایر حوزه‌ها نیز به کار گرفت.

برای بهره‌گیری از این الگو در اندیشه‌شناسی، نخست باید اطمینان یافت که نظریه یا دیدگاه مورد بررسی ضمن برخورداری از انسجام، در مواجهه‌ی اندیشمند با «بحران، بی‌نظمی یا سردرگمی که نظریه‌پرداز را به فکر واداشته» زمانه‌ی وی شکل گرفته است که حقیقت و حجازی (۲۰۱۰) نیز این نکته را متذکر شده‌اند. این امر، متضمن پذیرش «زمینه‌گرا» بودن اندیشمند مربوطه (در مقابل متن‌گرایی) از سوی پژوهشگر است و درجاتی از نسبی‌گرایی اندیشه‌اندیشمند را نیز در خود دارد. به عبارت دیگر با مفروض گرفتن این الگو، پژوهشگر می‌پذیرد که اندیشه‌اندیشمند مورد مطالعه، به‌طور جدی از «زمینه‌ها» متأثر بوده است.

بعد از کسب این اطمینان، اسپریگنز برای کشف منطق درونی، مراحل را ذکر نموده است: ۱- شناسایی بحران‌ها یا مشکلات اصلی که نظریه‌پرداز با آنها مواجه بوده و به یافتن راه‌حل‌های آن پرداخته است. در این الگو، تشخیص «مشکل اصلی» اندیشمند اهمیت دارد. مشکل اصلی می‌تواند نارسایی و از هم‌گسیختگی اجتماعی خاص، امری خطرناک و فاسد یا باور و رفتار نادرست حاکم بر جامعه مربوطه باشد؛ ۲- تشخیص ریشه و علل بروز این بحران‌ها یا مشکلات که به تحلیل بحران یا مشکل مربوط می‌شود؛ ۳- ارائه راه‌حل و پیشنهادی عملی برای حل مشکل به بهترین وجه؛ ۴- ارائه تصویر جامعه مطلوب^۱ (اسپریگنز، ۲۰۱۳: ۳۹-۴۳، ۵۴ و ۱۱۱).

شایان ذکر این‌که استفاده از این الگو، با محدودیت‌هایی هم روبه‌روست که برای رفع یا کاهش آسیب‌های ناشی از آنها، باید از الگوهای مکمل هم بهره برد. از جمله این‌که در نظر گرفتن رابطه میان «بحران زمانه» و «اندیشه‌های اندیشمند» به سادگی نمی‌تواند به‌صورت تبیینی علی-بایستگی میان رابطه بین متن و شرایط (محیط) (مرتضوی، ۲۰۰۷: ۱۷۳-۱۷۴) - در نظر گرفته شود. از این‌رو، مطالعه زمینه‌ها گرچه در فهم اندیشه به‌ویژه درک «انگیزه‌های اندیشمند»- آن چنان‌که کوئینتین اسکینر بدان اشاره کرده و آن را از «نیت گوینده (اندیشمند)» متمایز نموده است- کارگشا هستند، اما نباید به آنها منحصر شد.

بنا به شواهد و لوازم در اندیشه‌شناسی امام خمینی(ره) می‌توان از نظریه بحران بهره برد. بر این اساس، لازم است که زمینه‌ها و مسائل زمینه‌ای مربوطه مورد بررسی قرار گیرد. قابل تأمل این‌که ایشان مکرراً و

۱. این مرحله به نوعی در پس‌زمینه مراحل پیشین حضور دارد و گویا طی رابطه دیالکتیکی به تدریج ظهور می‌یابد. از این‌رو لزوماً و منطقی نمی‌توان آن را فقط در مرحله پایانی یافت.

با تفصیل قابل توجه به بیان بحران‌های مذکور پرداخته است که از جمله مهم‌ترین آنها می‌توان «غلبه مادی‌گرایی و بحران معنویت در جوامع»، «غالب بودن رابطه استعماری-استعمارزدگی بر کشورهای اسلامی از جمله ایران»، «حاکمیت استبداد»، «گسترش الحاد و دین‌زدایی» و «نافهمی یا کج‌فهمی اسلام» را ذکر کرد (همتی فر، ۲۰۱۸).

ملاحظه ۲- التفات به زیربنا و روینای اندیشگانی و نسبت آنها در اندیشه صاحب‌نظر

رویکرد معرفت‌شناختی در مواجهه با اندیشه‌ی اندیشمند اهمیت زیادی دارد. از جمله مهم‌ترین مؤلفه‌ها در این باره، تشخیص جایگاه «مبناگرایی» در اندیشه‌ی وی است که دلالت‌های مهمی در سازواری و هماهنگی مبادی و نتایج - سازواری مبانی، اصول، روش‌ها و فنون و اهداف - خواهد داشت.

در نظریه مبناگرایی^۱، مجموعه باورهای انسان در تشبیه به یک ساختمان، دارای دو نوع باورهای پایه^۲ (زیربنا) و باورهای غیرپایه^۳ (روینا) است. توجیه باورهای غیر پایه، به صورت مستقیم یا غیرمستقیم، با تکیه بر باورهای پایه یا مبانی^۴ و از طریق استدلال (قیاسی یا استقرایی) است. باورهای پایه نیز خود توجیه‌اند و توجیه آنها از طریق هیچ باور دیگری نیست (کشفی، ۲۰۰۶).

امام خمینی(ره) را به لحاظ معرفت‌شناسی می‌توان «مبناگرا» محسوب کرد. بنا به شواهد متنی و برون‌متنی و اذعان خود ایشان، مبانی یا باورهای پایه اندیشه‌ی وی منشأ دینی (به‌طور خاص قرآن و روایات ذیل فقه شیعی) دارد و در پرتو آن به مباحث فلسفی و عرفانی نیز توجه نموده‌اند. در اندیشه‌های اجتماعی ایشان، از جمله تربیت و سیاست، می‌توان رگه‌های مبانی فوق را به روشنی دریافت.

در بخش فلسفی، اندیشه امام خمینی(ره) به‌ویژه بر مبانی فلسفی حکمت متعالیه (به‌ویژه صدرالمآلهین و ذیل آن علامه محمدعلی شاه‌آبادی^۵) استوار شده است و صراحتاً یا به‌صورت ضمنی به این اثرپذیری و وابستگی اشاره داشته‌اند (خمینی، بی‌تا: ۳۶؛ خمینی، ۲۰۰۰، ج ۵: ۲۷۱). علاوه بر این تدریس آثار اصلی حکمت متعالیه (نک: خمینی، ۲۰۰۰، ج ۳: ۱۸۳) هر چند با رویکرد انتقادی را نیز می‌توان شاهدی بر این تأثیرپذیری در نظر گرفت.

ایشان همچنین با در نظر گرفتن معنای خاصی از فلسفه که به هستی‌شناسی الهی قرابت دارد، معتقدند که «اقل مراتب سعادت این است که انسان یک دوره فلسفه را بداند» (همان، ۲۰۰۶، ج ۳: ۴۷۲). علاوه بر این، بخشی از مبانی امام تحت تأثیر منظر عرفان محی الدین ابن عربی بوده است (از جمله: همان، ۲۰۰۰، ج ۵: ۲۷۱).

۱. foundationalism

۲. basic beliefs

۳. non-basic beliefs

۴. foundations

۵. ایشان بارها از علامه شاه‌آبادی در آثار خود با عنوان «شیخنا» یاد نموده‌اند.

در نظر گرفتن امام به‌عنوان مبنای، لزوم توجه به مبانی اندیشه‌ای ایشان (از جمله مبانی هستی‌شناختی، انسان‌شناختی، ارزش‌شناختی و جامعه‌شناختی و چه‌بسا دین‌شناختی) را افزون‌تر می‌کند. اهمیت مبانی مذکور تا بدان‌جاست که برخی عرفان و فلسفه، به‌ویژه فلسفه صدرایی، را مقدمه‌ی فهم نظام و مکتب امام خمینی(ره) می‌دانند تا بر اساس آن نوعی «هم‌زبانی» میان پژوهشگر و امام به وجود آید (از جمله طاهرزاده، ۲۰۱۳: ۵۳ و ۲۱۵).

مبنای‌گروی امام، دلالت‌هایی نیز در نوع مواجهه با رویکردهای هرمنوتیکی دارد. از جمله به نظر می‌رسد نسبی‌گرایی ناشی از هرمنوتیک زمینه‌گرا در چارچوب مبنای‌گرایی معرفت‌شناختی، قاعده‌مند و در چارچوب مذکور خواهد بود و در هرمنوتیک قصدگرا نیز با ابتنا بر منشأ فکری و مبنایی اندیشمند در کنار عوامل زمینه‌ای، به مقصود وی بهتر و دقیق‌تر پی برد.

ملاحظه ۳- توجه به تطور اندیشه امام خمینی(ره)، اما نه در سطح مبانی و اصول

بررسی وضعیت تطور اندیشه‌ای در باورهای پایه یا غیرپایه (زیربنا یا روبنا) و یا هر دو از جمله ملاحظات روشی است که باید در اندیشه‌شناسی مورد توجه قرار گیرد. برخی از اندیشمندان در حیات فکری خود دچار تطور در باورهای پایه خود شده‌اند و این تطور تا بدان‌جا بوده است که گویا پژوهشگر با دو یا چند شخصیت فکری مواجه است و حیات فکری اندیشمند و آثار او را باید متناظر با این دوره‌ها پژوهید. در همین حال، برخی از اندیشمندان بدون تغییر در لایه‌ی باورهای پایه و زیربنایی، به دلایلی تغییراتی را در سطح روبنایی اندیشه خود اعمال نموده‌اند. شناسایی هر یک از دو جریان فوق و جایابی اندیشمند مربوطه در آن، یکی از مقدمات ورود به آثار وی به‌شمار می‌رود.

بنا به شواهد متنی، در اندیشه امام خمینی(ره) می‌توان سیر تطوری در نظر گرفت که در عین پایداری به اصول و کلیات، در سطح روش‌ها و جزئیات ناظر به واقعیت‌های زمانه و زمینه‌ها موضع و رویکرد ایشان با تغییراتی همراه بوده است (جعفری هرستانی، ۲۰۱۵). به عبارت دیگر این تطورات را می‌توان به تغییر در روبنا و نه زیربنا تعبیر نمود. به نظر می‌رسد بخش قابل توجهی از این تغییرات به تغییر شرایط اجتماعی و نوع حکومت (از «غیراسلامی» به «اسلامی») مربوط است.

تفاوت موضع درباره حق رأی مردم (به‌ویژه زنان) پیش و پس از انقلاب اسلامی (خمینی، ۲۰۰۰، ج ۱: ۱۳۶؛ همان، ج ۲۱: ۱۰) و تغییر موضع نسبت به ایده‌ی «دانشگاه اسلامی» و همچنین نقش کارکرد نهادهای فرهنگی و تربیتی (از جمله: همان، ج ۱: ۳۰۳؛ همان، ج ۳: ۳۶۱؛ همان، ج ۱۲: ۲۵۱-۲۵۲) از جمله تعارض‌های ظاهری و تغییر موضع در اندیشه امام که با منطق پیش گفته قابل توجیه و تبیین هستند.

ملاحظه ۴- توجه به کتاب‌شناسی امام خمینی(ره)

اغلب پژوهش‌های اندیشه‌شناسی ناظر به اندیشمندی است که در قید حیات نبوده و یا دسترسی به ایشان میسر نیست و یا پژوهشگر به دلایلی، بررسی آثار اندیشمند را مورد توجه قرار داده است. از این رو پژوهش بر آثار اندیشمند، به‌ویژه آثار مکتوب، متمرکز می‌گردد.

«توجه به گزاره‌ها و اصطلاحات خاص» به کار رفته در متن یکی از ملاحظات روشی این رویکرد است. به دلیل انتقادات وارده به این رویکرد همچون اسطوره‌دکترین^۱ و اسطوره‌انسجام^۲ (مرتضوی، ۲۰۰۷: ۱۶۳-۱۶۵)، باید تلاش نمود تا برای رفع آنها، با اتخاذ ملاحظات روش‌شناختی، از رویکردهای دیگر نیز بهره برده شود. بر این اساس نخستین گام پژوهش، اثرشناسی اندیشمند مورد نظر است که بعضاً به کتاب‌شناسی محدود خواهد بود.

در بررسی اندیشه‌های امام خمینی(ره) نیز این گام آغازین اهمیت وافری دارد، به‌ویژه این که بخش قابل توجهی از مطالعات و پژوهش‌های کنونی در اندیشه ایشان به بررسی «صحیفه امام^۳» منحصر و محدود شده‌اند، این در حالی است که در عین حجم قابل توجه این مجموعه نسبت به کل آثار امام، با صرف توجه به آن نمی‌توان به همه ابعاد و عمق اندیشه ایشان دست یافت و چه‌بسا این بررسی به فهم نادرست و معوج اندیشه ایشان منتهی شود. لازم به ذکر این که دشواری دسترسی به برخی آثار امام خمینی(ره) (همچون کشف‌الاسرار)، ناشناخته بودن برخی دیگر از آثار (همچون رساله طلب و اراده) و جدیدالانتشار بودن برخی دیگر از آثار مرتبط با اندیشه ایشان (همچون تقریرات فلسفه امام خمینی) می‌تواند از عوامل اصلی گرایش به این امر باشد.

دسترسی به بخش قابل توجهی از اندیشه‌ی امام خمینی(ره) از طریق آثار ایشان ممکن است. این آثار را می‌توان براساس «موضوع»، «نحوه تألیف» و «دوره زمانی» گونه‌بندی نمود. آثار مذکور موضوعات عرفانی، فقهی، فلسفی، سیاسی و مسائل اجتماعی را به‌صورت اختصاصی یا تلفیقی در بر می‌گیرد. علاوه بر این، آثار مکتوب به جای مانده از ایشان در قالب‌های «تألیف (کتاب، اعلامیه، بیانیه، نامه و حکم رسمی، نامه‌های دوستانه و خانوادگی)»، «تقریر» و «گفتار شفاهی (عمدتاً سخنرانی)» قابل دسته‌بندی هستند.

برخی از آثار توسط خود ایشان به نگارش درآمده‌اند که عمده‌تاً مضمون عرفانی دارند و مربوط به پیش از انقلاب اسلامی و دوره جوانی امام خمینی هستند^۴. قابل تأمل این که برخی آثار ناظر به وضعیت پیش آمده تألیف شده‌اند که به‌طور خاص «کشف‌الاسرار» از این جمله است.

علاوه بر آثار تألیفی، برخی از آثار در دسترس کنونی، تقریر درس‌گفتارهای علمی توسط شاگردان ایشان است که بعضاً به نظر ایشان نیز رسیده است، از جمله می‌توان به «ولایت فقیه (حکومت اسلامی)» و

۱. Mythology of Doctrine

۲. Mythology of Coherence

۳. بخش قابل توجهی از آثار امام به لحاظ حجم را «صحیفه امام(ره)» تشکیل می‌دهد که در قالب ۲۱ جلد، مجموعه‌ی سخنرانی‌ها و بیانات عمومی و خصوصی، مصاحبه‌ها، پیام‌ها و نامه‌های رسمی و غیررسمی و اجازه‌نامه‌های شرعی و احکام حقوقی به همراه وصیت‌نامه ایشان را در بر می‌گیرد.

۴. از جمله «شرح دعای سحر» (۱۳۰۷ ه.ش)، «شرح چهل حدیث» (۱۳۱۷ ه.ش)، «سرّ الصلوة» (۱۳۱۸ ه.ش)، «آداب الصلوة» (۱۳۲۱ ه.ش)، «شرح حدیث جنود عقل و جهل» (۱۳۲۳ ه.ش)، «کشف‌الاسرار» (۱۳۲۳ ه.ش) و «رساله طلب و اراده» (۱۳۳۱ ه.ش).

«تقریرات فلسفه امام خمینی(س)» اشاره نمود. «تفسیر سوره حمد» را نیز می‌توان با اغماض ذیل این دسته جای داد.

ادبیات همه آثار امام خمینی(ره) یکسان نیست. برخی همچون کشف‌الاسرار دارای ادبیاتی روان و عامه فهم است که از این وجه با سخنرانی‌های عمومی ایشان شباهت و قرابت زیادی دارد، در حالی که این‌ها به لحاظ ادبیات و مخاطب با دیگر آثار مکتوب امام جداً متفاوت است. ادبیات ایشان در آثار تألیفی و سخنرانی‌های علمی عمدتاً غنی از اصطلاحات تخصصی عرفانی، فلسفی و فقهی است و اشاره‌وار مباحث پیچیده را بیان می‌کنند. نکته قابل تأمل این که بررسی و تطبیق دو دسته اثر مذکور نشان می‌دهد که آثار دسته دوم عمدتاً نسبت به آثار دسته اول، به اندیشه‌های بنیادین‌تری می‌پردازد. با پذیرفتن این رابطه، می‌توان آثار مذکور را به‌عنوان مبنا و تفصیل مباحث، استدلال و... در فهم، تحلیل و تبیین اندیشه‌های دسته اول به‌کار گرفت.

البته در بررسی اندیشه امام، محدودیت‌هایی نیز وجود دارد. یکی از دشواری‌های بررسی آثار امام در دوره مبارزه به‌ویژه در بخش مکاتبات، «پنهان‌نگاری» و تقیه است تا برای حمل‌کننده و گیرنده نامه زحمتی ایجاد نشود (خمینی، ۲۰۰۰، ج ۲: ۴۲۶).^۱ ضمن این که بخشی از نامه‌ها و مکتوبات نیز در دسترس نیست، از جمله نامه‌های پیوستی که جنبه مبارزاتی داشته و واسطه‌ها هم حق باز کردن یا کپی‌برداری از آن را نداشته‌اند و گیرنده‌ها هم آنها را امحا می‌کردند و لذا اکنون از دسترس پژوهشگران خارج شده است.

قابل توجه این که عمده آثار تألیفی امام مربوط به دوران پیش از انقلاب اسلامی است که ادبیات و اصطلاحات عرفانی و فلسفی در آثار غیرفقهی مذکور برجسته است. پس از انقلاب اسلامی گرچه آثار تألیفی محدودتر شده، اما نشانه‌های آن در نامه‌ها و اعلامیه‌ها کم و بیش مشهود است، هر چند بیشتر جنبه اجمال و اشاره دارد. بر این اساس، می‌توان آثار پیشین را تفصیل اشاره‌های اجمالی آثار پسین در نظر گرفت.

به نظر می‌رسد که آثار مکتوب امام از دقت بالاتری برخوردارند و در بکارگیری واژگان و مفاهیم فنی و تخصصی قابل‌اعتناتر از آثار شفاهی هستند. همچنین مبانی و اصول اصلی اندیشگانی امام در این آثار به نحو صریح‌تر و مبسوط‌تری یافت می‌شود. در بررسی اولیه آثار شفاهی به‌ویژه سخنرانی‌های عمومی، به نظر می‌رسد که پژوهشگر با زبان عرفی و عامیانه امام سروکار دارد، اما بررسی دقیق‌تر و عمیق‌تر نشان از آن دارد که در باطن این ادبیات، ادبیات تخصصی عرفان و اخلاق و متون دینی نهفته است که بعضاً نشانه‌هایی از واژگان و مفاهیم آن بروز می‌یابد و شاهدی بر این مدعاست. از این‌رو آثار شفاهی ایشان می‌تواند در ذیل آثار مکتوب مورد تحلیل قرار گیرد که به دلیل موقعیت‌محوری و ناظر به مصداق بودن، جزئیات و ظرافت‌هایی از مبانی و اصول بیان می‌گردد که بعضاً در آثار مکتوب یافت نمی‌شود. در عین حال، برای

۱. یکی از نمونه‌های این پنهان‌نگاری که بی‌توجهی به آن باعث تعارض در فهم اندیشه امام می‌گردد، مضامین رایج در نامه‌هایی است که حاج احمد خمینی مخاطب آنهاست. از جمله مکرراً در نامه‌های دوره مبارزاتی پیش از انقلاب اسلامی به ایشان، تأکید دارند که «شما مشغول تحصیل و تهذیب نفس باشید و دخالت در امری نکنید» (خمینی، ۲۰۰۰، ج ۲: ۴۲۶) که این امر با توصیه‌های مکرر و مؤکد ایشان به طلاب و روحانیون برای حضور و فعالیت اجتماعی در تبلیغ و دفاع از اسلام همخوانی ندارد.

دستیابی به مبانی و چارچوب فکری و نظری ایشان نسبت به انسان و هستی و دین، آثار مکتوب ایشان مستعدتر و غنی‌تر هستند. به‌طور مثال درباره مبانی انسان‌شناسی و هستی‌شناسی «شرح حدیث جنود عقل و جهل» و «شرح چهل حدیث» جایگاه خاصی دارند.

ملاحظه ۵- لزوم توجه به ملاحظات اصطلاح‌شناسی (ترمینولوژی) خاص امام خمینی

عمده پژوهش‌های اندیشه‌شناسی، به‌طور کامل یا به‌عنوان مرحله‌ای از کل فرآیند پژوهش ناظر به مفاهیم و اصطلاحات است و بخشی از ملاحظات روشی بدین امر اختصاص دارد. از جمله ناظر به مفاهیم، استفاده از تحلیل مفهومی در بخش‌هایی از پژوهش ناگزیر می‌نماید. به اعتقاد کومیز و دنیلز (۲۰۰۸)، هدف چنین تحلیلی عبارت است از «فهم و بهبود بخشیدن مجموعه مفاهیم یا ساختارهای مفهومی^۱ که ما برحسب آنها تجربه را تفسیر می‌نماییم، مقاصد را بیان می‌داریم، مسائل را ساخت‌بندی می‌کنیم و پژوهش‌ها را به اجرا در می‌آوریم» (کومیز و دنیلز، ۲۰۰۸: ۴۳).

در تحلیل مفهوم عمومی^۲ بنا بر این است که کاربرد مفهوم مورد نظر در قالب جملات، در سه مورد شناسایی گردد: ۱- موارد مثبت یا صادق^۳ که در متن مورد بررسی، اصطلاح به‌طور معمول مورد استفاده قرار گرفته است؛ ۲- موارد منفی^۴ یا متعارض که به‌طور معمول از آنها استفاده نمی‌شود یا در شرایط متعارض به‌کار می‌روند؛ ۳- موارد مرزی. از مجموع کاربردهای مذکور، شرایط لازم و کافی مفهوم (مقوله‌های اصلی و مشروط) شناسایی می‌گردد و پس از ارزیابی، در صورت نیاز، با مفهوم‌پردازی شرایط مربوطه رد یا ابقا می‌گردند. برای تفکیک مفاهیم به هم مرتبط و روابط میان آنها می‌توان از تحلیل تفکیکی^۵ بهره برد (کومیز و دنیلز، ۲۰۰۸: ۴۸-۵۱؛ بوستون کمپل^۶، ۲۰۱۲؛ سولتیس، ۲۰۰۸).

در اندیشه امام خمینی(ره) نیز پژوهشگر مکرراً با مفاهیمی روبه‌روست که به نظر می‌رسد تبیین ایشان از آنها متفاوت و متمایز از معنای رایج است که بخشی از آن در شبکه مفاهیم هم‌خانواده و هم‌نشین مترادف یا متضاد خودنمایی می‌کند. یافتن این مفاهیم و نسبت‌یابی آنها، از جمله راه‌های اصلی دستیابی به مؤلفه‌های اصلی و مقوم هر مفهوم خواهد بود.

امام خمینی(ره) با توجه پیشینه تخصصی و گستره مطالعاتی که در علوم اسلامی، فلسفه و عرفان دارد، در آثار خود از واژگان و اصطلاحات متنوعی استفاده نموده است و بعضاً با قریحه خود، ترکیبات واژگانی بدیعی را ساخته است. با توجه به متن‌محور بودن، اصطلاحات و مفاهیم جایگاه ویژه‌ای دارند، اما این تنوع

۱. conceptual structures

۲. generic

۳. Model cases

۴. contrary cases

۵. differential analysis

۶. Boston-Kemple

و ترکیب‌ها دشواری‌هایی را به وجود می‌آورد. بر این اساس، ناظر به مفاهیم و اصطلاحات مذکور باید جانب احتیاط را در نظر گرفت و ملاحظاتی را مورد توجه قرار داد، از جمله:

۵-۱- التفات به شبکه مفهومی

در تحلیل مفهومی^۱، مفاهیم با معنای هم خانواده یا متضاد می‌توانند در روشن شدن ارتباط مفاهیم و شبکه‌ی معنایی (اشراقی یا اندراجی) آنها کمک کننده باشند. از جمله در آثار امام برخی مفاهیم به صورت متقابل به کار رفته‌اند که بر اساس شبکه مفهومی و تبیینی که از آنها در اندیشه امام صورت گرفته است، می‌توان به نظام اندیشه‌ای ایشان بهتر پی برد. از جمله این تقابلهای، مطرح نمودن «طاغوت و شیطان» در مقابل «خداوند»، «آزادی سالم» در مقابل «آزادی فاسد» (خمینی، ۲۰۰۰، ج ۹: ۴۶۴) و «تقلید» و «واستگی» در مقابل «استقلال» (همان، ۴۶۲) است.

می‌توان مفاهیم هم‌نشین و مترادف با تربیت را نیز به صورت شبکه‌ای در نظر گرفت. در اندیشه امام، مفاهیم عمده‌ی مرتبط با «تربیت خویشتن» عبارت‌اند از: ریاضت، جهاد نفس و سلوک، اصلی‌ترین مفاهیم مرتبط با «تربیت دیگری» نیز عبارت‌اند از: آگاهی‌بخشی، تبلیغ، دعوت، تأدیب، سرایت، تزریق، ارشاد، هدایت. مفاهیمی نیز بر اساس کاربرد آنها در آثار امام در هر دو دسته مذکور قابل جایگذاری‌اند، از جمله: تطهیر، تهذیب، تصفیه، تزکیه، تلقین و تکرار، تذکر، سازندگی و حرکت (همتی‌فر، ۲۰۱۸).

۵-۲- تضاد ظاهری واژگان، در عین هم‌معنایی باطنی

در آثار شفاهی امام خمینی (ره) اصطلاحات و ترکیب‌های مفهومی یافت می‌شود که به ظاهر متضاد به نظر می‌رسند، اما کاوش دقیق‌تر نشان می‌دهد که به یک معنا به کار رفته‌اند و تفاوت مذکور به دلیل حیث التفاتی و زمینه بحث بوده است. از جمله نمونه‌های این ترکیب می‌توان به «آزادی وارداتی» (خمینی، ۲۰۰۰، ج ۹: ۴۵۳ و ۴۶۳) و «آزادی صادراتی» (همان، ج ۱۲: ۲۶) اشاره نمود. در ترکیب نخست، منظور امام خمینی تفسیری از آزادی است که توسط دیگران (در منظور امام، «غرب») ارائه شده و به جامعه ما هم از طرق مختلف وارد گردیده است. اما ترکیب دوم اشاره به همان تفسیر دیگران از آزادی دارد که به کشورهای دیگر آن را اعمال و به اصطلاح «صادر» نموده‌اند.

۵-۳- استفاده از واژگان یکسان در معانی متفاوت (اشتراک لفظی)

امام برخی از اصطلاحات را در آثار مختلف و در زمینه‌ها و زمانه‌های متفاوت با معنایی متفاوت به کار می‌برد که بعضاً در عین شباهت ظاهری، معنا کاملاً متضاد است. دقت در تحلیل مفاهیم مربوطه اقتضا می‌کند که به زمینه تاریخی بحث و همچنین قرائن متنی توجه شود. در غیر این صورت، پژوهشگر ممکن است دچار سوء برداشت و سوء تحلیل گردد.

«دانشگاه اسلامی» از جمله این اصطلاحات است که به صورت پرتکرار در آثار مختلف به کار رفته است. ایشان پیش از انقلاب اسلامی به ایده‌ی دولتمردان پهلوی دوم برای راه‌اندازی مرکز آموزش علوم حوزوی

با عنوان «دانشگاه اسلامی» نقدهای اساسی وارد می‌نمایند و این معنا را غلط می‌دانند (از جمله: خمینی، ۲۰۰۰، ج ۱: ۳۰۳) و از آن با عنوان «دانشگاه اسلامی قلبی» یاد می‌کنند (همان، ج ۳: ۳۶۱). در برخی از موارد نیز منظور از «دانشگاه اسلامی»، مراکز آموزش عالی است که روح دینی در ساختار، نیروی انسانی، محتوا و خروجی‌های آن دمیده شده است و این مراکز کاملاً همسو با اهداف آلی و غایی اسلامی و نیازهای کشور تنظیم شده‌اند که همسو با آن «دانشگاه مستقل» و در مقابل آن «دانشگاه استعماری» را مطرح نموده‌اند (از جمله: همان، ج ۱۲: ۲۵۱-۲۵۲). قابل توجه این‌که امام گاهی از همین عبارت برای اشاره به حوزه‌های علمیه سنتی و با نگرش مثبت و تجلیل‌گونه استفاده کرده‌اند (همان، ج ۶: ۴۰۰). کاملاً مشخص است که بدون توجه به زمینه و همچنین مخاطب بحث، تشخیص معنای اصطلاح مذکور دشوار خواهد بود.

۴-۵- تفاوت کاربرد و معنای واژگان مربوطه نسبت به اکنون

آثار امام در گستره وسیع زمانی قریب به ۷ دهه نگاشته شده‌اند و از این رو به‌ویژه در آثار متقدم‌تر، از ادبیات و واژگانی استفاده شده است که امروزه، کاربرد و معنای متمایز یا با گستره معنایی متفاوت دارند؛ لذا معنای متبادر شده در آن دوره با اکنون، یکسان و دقیقاً منطبق بر هم نیست. در این موارد لازم است که کاربرد تاریخی واژگان مدنظر قرار گیرد. توجه به واژگان «هم‌نشین» با این اصطلاحات در گزاره‌های مربوطه نیز می‌تواند در فهم معنا کمک‌کننده باشد.

تفاوت معنایی برخی از این واژگان در پژوهش حاضر چندان حائز اهمیت نیست، در عین حال برخی واژگان کلیدی‌تر هستند که از جمله موارد مذکور می‌توان به واژه‌های «فرهنگ» و «مدرسه» اشاره نمود. در ادبیات امام خمینی(ره)، منظور از «فرهنگ» گاهی نظام، فرآیند و امور مرتبط با تعلیم و تربیت (آموزش و پرورش) در معنای امروزی آن (خمینی، ۲۰۰۰، ج ۱۵: ۲۴۳ و ۳۰۹) و گاهی نهادهای مرتبط با تعلیم و تربیت - همچون وزارت فرهنگ وقت و وزارت آموزش و پرورش کنونی - است (از جمله: همان، ج ۱: ۲۹۹ و ۳۵۸).^۱

درباره واژه «مدرسه» نیز ایشان عمدتاً آن را برای اشاره به مدارس علوم دینی و حوزه‌های علمیه به کار می‌برند (از جمله: همان، ج ۱۲: ۳۹۴) و با معنای رایج کنونی که به آموزشگاه‌های دوره تربیت رسمی عمومی اطلاق می‌شود، متفاوت است. ایشان در اشاره به «مدرسه» در معنای امروزی غالباً از واژه‌هایی همچون «کودکستان، دبستان و دبیرستان» استفاده کرده‌اند.

۵-۵- تعمیم و گسترش معنایی برخی واژگان

یکی از ویژگی‌های ادبیاتی که امام در آثار و گفتارهای شفاهی خود به کار برده است، گسترش دامنه معنایی واژه‌ها از کاربرد رایج به پشتوانه مبانی اندیشه‌ای خود است. این امر گاهی به صورت منفرد و یا به صورت ترکیب واژه‌ها صورت گرفته است. از جمله می‌توان به واژه‌های «جهاد»، «طاغوت»، «عبادت» و

۱. این تناظر علاوه بر شواهد متنی در آثار ایشان، بر اساس سابقه تاریخی نام‌گذاری وزارتخانه‌های مرتبط با آموزش و پرورش، آموزش عالی، هنر و ... با عنوان «وزارت فرهنگ» از سال‌های ۱۳۱۹ الی ۱۳۴۳ ه.ش نیز قابل توجیه است.

«روشنفکر» اشاره کرد. البته باید توجه داشت که این گسترش مبنایی، بر پشتوانه فکری و به‌ویژه آموزه‌های اسلامی مبتنی شده است که بعضاً ایشان به شواهد آن هم اشاره نموده‌اند و در مواردی نیز شواهد مربوطه از آثار ایشان قابل استنباط است.

«جهاد» از جمله مفاهیم قرآنی و روایی است که در دو معنای مبارزه نظامی («جهاد اصغر») و مبارزه با هواهای نفسانی («جهاد اکبر») مورد استفاده قرار گرفته و امام خمینی(ره) نیز بارها به آنها اشاره نموده است. با این حال ایشان، با گسترش معنایی مفهوم «جهاد»، تلاش و مبارزه در راستای تحقق اهداف اسلام و حکومت اسلامی در همه عرصه‌ها را ذیل آن جای داده است («جهاد در همه جا» (خمینی، ۲۰۰۰، ج ۱۶: ۴۱۱)) و بر همین اساس تعابیری همچون «جهاد در دانشگاه‌ها و دانشکده‌ها، جهاد در کارخانه‌ها و کارگری‌ها، جهاد در کشاورزی‌ها، جهاد در مدارس، جهاد در دانشگاه‌ها، جهاد در جبهه‌ها و جهاد در پشت جبهه‌ها» را مطرح نموده است (همان، ۴۱۰-۴۱۱).

امام مفهوم قرآنی و دینی «شیطان» را از «بلیس» توسعه معنایی داده و علاوه بر حوزه اخلاق، در حوزه سیاست به کار می‌گیرد. بنا به تعریف امام، شیطان با دنیای مذموم پیوند خورده و هر آن چه است که انسان را به غیر خدا دعوت کند (خمینی، ۲۰۰۶، ج ۳: ۱۲۰؛ همان، ج ۲: ۳۵۹-۳۶۰) یا به عبارتی «[انسان] را از حق باز دارد و از جمال جمیل محبوب جلّ جلاله محجوب کند ...» (خمینی، ۲۰۱۲: ۲۳۱).

امام مفهوم «شیطان» را در حوزه سیاسی نیز به کار گرفته و برای نامیدن آمریکا، از مفهوم «شیطان بزرگ» استفاده کرده است (از جمله: همان، ج ۱۸: ۸۷). طرح مفاهیم «قیام شیطانی» (در مقابل «قیام‌الله») (همان، ج ۱۳: ۱۳۷-۱۳۸) و «سیاست شیطانی» (همان، ج ۱۴: ۱۴۴)، «حکومت شیطانی» برای توصیف حکومتی که برخلاف رضایت خداوند و مردم است (همان، ج ۴: ۴۶۱) و «شیطان‌زده» به‌عنوان معادل «غرب‌زده» (همان، ج ۲۰: ۱۶۲) را با همین منطقی می‌توان فهم و تفسیر نمود.

۵-۶- عدم تمایزهای تخصصی رایج میان واژگان

گرچه امام خمینی(ره) به دلیل رهبری دینی-سیاسی به جهت‌دهی و ارائه خط‌مشی و راهبرد در حوزه‌های تخصصی مختلف - از جمله حوزه تعلیم و تربیت و سیاست- پرداخته‌اند، اما به نظر می‌رسد واژگان به کار رفته توسط ایشان لااقل در برخی از این حوزه‌ها، با دقت‌های تخصصی همراه نیست و از این‌رو پژوهشگران باید دقت نمایند که تمایزات اصطلاحی مذکور را چندان نباید در آثار ایشان انتظار داشته باشند که البته این امر به فایده‌مندی مبانی و اصول اندیشه‌ای امام در این حوزه‌ها خدشه‌ای وارد نمی‌کند.

یکی از مصادیق این ملاحظه، تمایز میان «دولت» و «حکومت» در علوم سیاسی است که در سنت‌های مختلف فکری موجود، روابط خاصی میان این دو و عناصر آنها در نظر گرفته می‌شود. بنا شواهد، امام خمینی(ره) تمایزی بین این دو مفهوم در کاربرد قائل نیست و چه‌بسا آنها را معادل با هم در نظر گرفته است.

۵-۷- به کار گرفتن اصطلاحات و واژگان برخاسته از قرآن و روایات در سایر متون مبنای اسلامی را می‌توان چتر فکری محسوب نمود که سایر وجوه اندیشه‌ای امام ذیل آنها قرار گرفته‌اند و از این رو چارچوب دینی امام بر دیدگاه‌های دیگر ایشان سیطره و نفوذ دارد. این اثرگذاری از طریق کاربرد قابل توجه اصطلاحات و واژگان برگرفته از متون دینی (قرآن و روایات) به صورت منفرد یا ترکیبی در حوزه‌های تخصصی بروز یافته است. سیاست از جمله حوزه‌های است که امام به فراوانی از الفاظ دینی در آن بهره گرفته است که استفاده از ترکیب «قدرت شیطانی» برای توصیف پهلوی دوم از این جمله است (خمینی، ۲۰۰۰، ج ۵: ۲۲۷). به نظر می‌رسد تحلیل چنین ترکیب واژگانی اقتضا می‌کند که به مؤلفه‌های مقوم واژگان قرآنی و روایی در متون دینی توجه شود که امام خود بعضاً مستندات مربوطه را ذکر نموده است.

آمیختگی اندیشه امام - از جمله اندیشه سیاسی و تربیتی - به آموزه‌های دینی منحصر به واژگان نیست و ایشان برای مناسک و عبادات دینی نیز وجوه اجتماعی در نظر می‌گیرند. ایشان در توصیف مراسم و مجالس عزاداری مذهبی، آن را به مقابله دو جبهه عدل و ظلم و حکومت اسلامی و حکومت طاغوت پیوند می‌زنند: «مجالس بزرگداشت سید مظلومان و سرور آزادگان که مجالس غلبه‌ی سپاه عقل بر جهل و عدل بر ظلم و امانت بر خیانت و حکومت اسلامی بر حکومت طاغوت است، هر چه باشکوه‌تر و فشرده‌تر بر پا شود، و بیرق‌های خونین عاشورا به علامت حلول روز انتقام مظلوم از ظالم، هر چه بیشتر افراشته شود» (همان، ۷۶).

امام واژه قرآنی «مستضعف» را علاوه بر گستره دینی، در گستره سیاسی نیز مطرح می‌نماید. ایشان از یک سو «مستضعفین» را کسانی می‌داند که «از نغمه‌ی صدای رسالت دور افتاده‌اند و حجت بر آنها تمام نشده، ممکن است همین طور ترقی طبیعی بکنند تا از این عالم که رفتند مثل سایر حیوانات، [این دسته] مسئول نبوده و جزء مستضعفین بوده و از متروکین باشند» (خمینی، ۲۰۰۶، ج ۳: ۷۷-۷۸). از سوی دیگر «مستضعفین» را در نسبت با قدرت‌های سیاسی و اقتصادی در نظر می‌گیرد؛ افرادی که از نظر انسانی «ضعیف و هیچ» شمرده شده‌اند: «ما همه جز مستضعفین هستیم؛ یعنی ما که اشخاصی بودیم که ابرقدرت‌ها ما را ضعیف می‌شمردند، ما را هیچ می‌دانستند» (خمینی، ۲۰۰۰، ج ۷: ۳۶۹). در همین باره می‌توان به استفاده از واژه‌های «استکبار» برای توصیف کشورهای استعمارگر هم اشاره نمود (همان، ج ۲۱: ۷۹).

۵-۸- قاتل شدن باطن برای واژگان

چنین به نظر می‌رسد امام خمینی (ره) مبنای لایه‌ای بودن هستی و رابطه ظاهری و باطنی این لایه‌ها را به زبان و واژگان نیز گسترش داده است و معتقد است که «ظاهر» هر واژه (اسم یا صورت) باید با «باطن» آن (مسمی یا محتوا) سنخیت داشته باشد.

«آموزش و پرورش» یکی از نمونه‌های این نگرش است. به اعتقاد ایشان، ترکیب دو واژه «آموزش» و «پرورش» اقتضا می‌کند که هر دو مفهوم توأمان در ترکیب جدید منعکس باشد و در عین حال تحقق عینی نیز داشته باشد: «بسیاری از اوقات الفاظ خیلی الفاظ جالبی است و سرپوش از برای چیزهایی است که جالب

نیستند. آموزش و پرورش، هر دو لفظ از الفاظ جالب است و در زمان طاغوت هم وزارت آموزش و پرورش داشتیم. ... لکن ما، هم در آموزش و پرورش گرفتار الفاظ بودیم ... در زمان طاغوت آموزش می‌گفتند و پرورش، لکن شما ملاحظه کنید آموزش‌ها چه بود و پرورش‌ها چه» (خمینی، ۲۰۰۰، ج ۱۲: ۴۹۰-۴۹۱).

۵-۹- پرهیز از انقطاع نادرست جملات و جداسازی جملات بدون توجه به بافت

باید توجه نمود که در فهم اندیشه امام خمینی(ره)، باید گزاره‌ها و واژه‌ها را ذیل کلیت و مبانی اندیشه ایشان و بر اساس زمینه و بافت آن تعبیر و تفسیر نمود. بر این اساس، رویکرد انقطاعی -استناد تنها به بخشی از یک جمله یا عبارات فارغ از زمینه و گزاره‌های پیشین و پسین- ممکن است به فهم ناقص و چه‌بسا معکوس معنا منجر شود. به‌ویژه در عبارات شفاهی ایشان این آسیب بیشتر است، زیرا به نظر می‌رسد در بکارگیری الفاظ و تنظیم ترتیب جملات دقتی شبیه متون تألیفی لحاظ نشده است. بخشی از این ملاحظه، لزوم توجه به «مخاطبان» ایشان در توصیه‌ها مربوط می‌شود، وگرنه پژوهشگر ممکن است دچار تعمیم نادرست آن توصیه شود و یا به‌گونه‌ای از اخباری‌گری دچار گردد.

به‌عنوان مثال امام خمینی(ره) در پاسخ به پرسشی، عنوان می‌کند: «... مصلحت این است که تبلیغات باید مستقیماً زیر نظر روحانیت باشد» (خمینی، ۲۰۰۰، ج ۱۷: ۲۱۶). اگر به بافت و مخاطب این عبارت توجه نشود، با تعمیم می‌توان نتیجه گرفت که «هر گونه تبلیغات باید مستقیماً زیر نظر روحانیت صورت بگیرد». این در حالی است که در پرسش به «تبلیغات حج» اشاره شده است و مخاطبان مسئولین مرتبط با برگزاری مراسم حج هستند؛ لذا برای تعمیم دادن این توصیه، باید شواهد دیگری نیز یافت.

ملاحظه ۶- در نظر گرفتن سیره عملی امام خمینی در کنار آثار و مکتوبات

برخی از صاحب‌نظران، از جمله طاهرزاده (۲۰۱۳) برآنند که امام خمینی(ره) شخصیتی «اشراقی» است و نحوه مواجهه با این شخصیت و نظام فکری ایشان باید متفاوت باشد. در چارچوب فکری مذکور که منبعث از مکتب اصالت وجود صدرایی است، «شخصیت اشراقی» کسی است که با آمادگی ایجاد کرده در خود، در ذیل اسلام و ولایت اهل بیت علیه‌السلام، تحت انوار ملکوتی پروردگارشان قرار گرفته‌اند و مطابق سؤال و طلبی که داشته‌اند، رهنمودهای الهی بر جانیشان اشراق شده است (طاهرزاده، ۲۰۱۳: ۱۲۷).

وی معتقد است که «با فرض اشراقی بودن شخصیت حضرت امام همان برخوردی را با ایشان و انقلاب اسلامی داریم که با روایات داریم، هر چند متوجه هستیم حضرت امام خمینی (رضوان‌الله‌تعالی‌علیه) معصوم نیستند، ولی فرهنگ شخصیتی ایشان به همان صورت فرهنگ اهل‌البیت ملکوتی و اشراقی است و لازم می‌آید رجوع ما رجوع به اجمالی باشد که با قرار گرفتن در ذیل آن، به تفصیل در آید و بر اساس آمادگی که باید در خود ایجاد کنیم، می‌توانیم آن را تفسیر نماییم» (همان، ۱۳۰). در همین راستا، وی رجوع توأمان به آثار مکتوب و سیره‌ی عملی امام را لازم می‌داند (همان، ۱۵۷).

«تلاش برای بیداری و آگاهی‌بخشی عمومی» نمونه‌ای از عمل امام خمینی(ره) است که با نظام اندیشه‌ای ایشان همخوانی کامل دارد. ایشان مکرراً «آگاهی» و «بیداری» را مقدمه حرکت و تحول فردی و اجتماعی معرفی نموده‌اند و از همین‌رو ضمن توجه دادن به جایگاه و نقش عالمان دینی و دانشگاهی در

این میانه، به وظیفه ایشان در قبال آگاه‌سازی مردم تأکید دارند. در عین حال سیره ایشان نیز نشان می‌دهد که خود به این امر باور داشته و عامل بوده‌اند. مفاد روشنگرانه و تبیینی عمده سخنرانی‌ها، انتشار اعلامیه و بیانیه و صدور پیام خطاب به مردم و مسئولین و انتشار کتاب‌های مختلف اخلاقی و سیاسی شواهد مؤید این امر هستند که به‌طور مستمر در آنها به «نصیحت دولت و ملت» (خمینی، ۲۰۰۰، ج ۱۰: ۴۲۵) و «اعلام نظر» و «تحلیل مسائل روز» (همان، ج ۱۲: ۳۷؛ همان، ج ۱۴: ۱۱۹) و ... پرداخته‌اند.

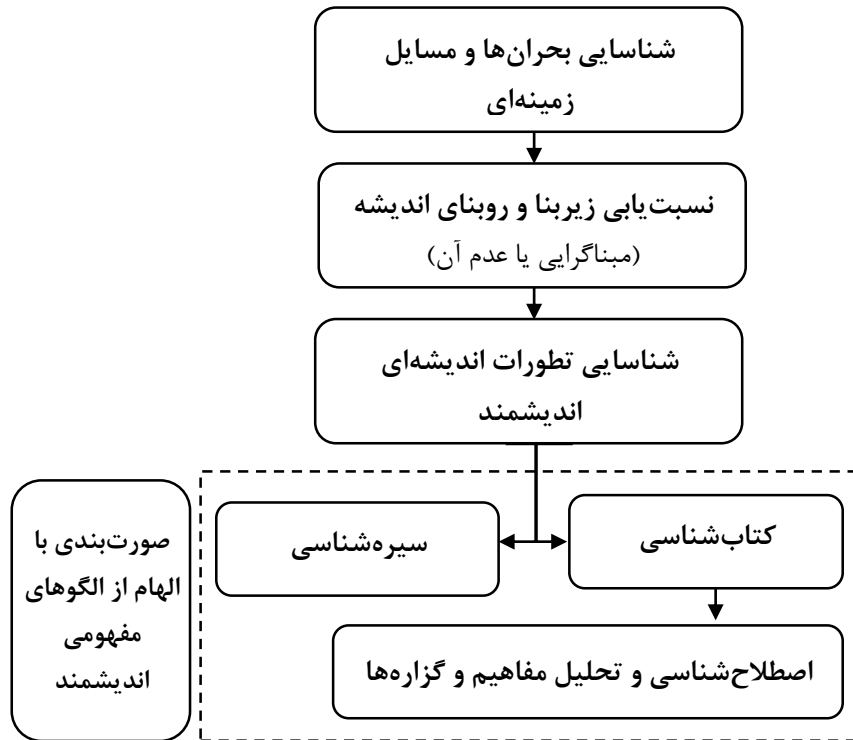
ملاحظه ۷- التفات به الگوهای مفهومی مورد استفاده امام خمینی

امام خمینی(ره) بر خلاف الگوسازی مفهومی رایج که به‌طور غالب بر نظریه‌ی سیستم‌ها و ماشین‌وار استوار هستند، در مفهوم‌پردازی از الگوهای متفاوتی بهره برده است که التفات بدان‌ها هم در فهم اندیشه ایشان و هم در الگوسازی آنها کارساز است. ویژگی عمده الگوهای مذکور که اغلب به‌صورت تمثیل در آثار ایشان آمده است، انطباق با الگوهای طبیعی است. از مهم‌ترین تمثیل‌های مذکور می‌توان به الگوهای مفهومی «نور»، «خانواده» و روابط حاکم بر آن، الگوی «اعضای بدن انسان» و نسبت میان آنها و «بذر و تمثیل زراعت» اشاره نمود.

نتیجه‌گیری

اندیشه‌شناسی بخش مهمی از مطالعات حوزه علوم انسانی و اجتماعی را به خود اختصاص می‌دهد و به‌ویژه در حوزه علوم انسانی با رویکرد اسلامی جایگاه ویژه‌ای در عرصه‌های دانشی مختلف دارد. در این میان بررسی اندیشه‌های متفکران مسلمان از جمله امام خمینی(ره) به دلیل جایگاه سیاسی و دینی مورد توجه خاصی است. مقاله حاضر تلاش نموده است تا ملاحظات روشی را برای نظام‌مند نمودن پژوهش‌های اندیشه‌شناسی با تأکید بر اندیشه امام خمینی(ره) و عرصه‌های تعلیم و تربیت و سیاست ارائه نماید تا بتوان در حد ممکن از سوءفهم اندیشه ایشان برکنار ماند. البته به نظر می‌رسد این ملاحظات را بتوان تعمیم داد و کم و بیش در سایر اندیشه‌شناسی‌ها نیز به‌کار گرفت.

بر این اساس ملاحظات روشی مطرح شده در اندیشه‌شناسی امام خمینی(ره) را می‌توان در چارچوب سازماندهی نمود که به‌مثابه الگوی عمومی اندیشه‌شناسی از جمله در تعلیم و تربیت به‌کار گرفت (نمودار ۱). طبیعتاً ملاحظات مربوط رابطه‌ی ارگانیک با هم دارند و لذا تقدم و تأخر آنها نمی‌تواند به‌صورت قطعی در نظر گرفته شود. به‌عنوان مثال، شناسایی تطورات احتمالی اندیشه اندیشمندان پس از بررسی اندیشه و آثار وی ممکن است و حتی در صورت وجود فرضیات و گمانه‌هایی در این باره، پس از بررسی آثار است که می‌توان شواهد مؤید آن را یافت. در صورت تأیید این گمانه‌هاست که پژوهشگر با مرور مجدد آثار و جایابی آنها در تطورات مربوطه، باید فهم خود از اندیشه مربوطه را بازسازماندهی نماید. در عین این ملاحظه، در ادامه صورت‌بندی اولیه‌ای از چارچوب عمومی پیشنهادی برای اندیشه‌شناسی ارائه گردیده است.



نمودار ۱: چارچوب عمومی برای اندیشه‌شناسی

شناسایی بحران‌های زمینه‌ای که اندیشه اندیشمند مورد مطالعه ناظر به آنها و تحت تأثیرشان شکل گرفته است، از گام‌های نخست اندیشه‌شناسی است و در تحلیل و تفسیر و وزن‌دهی به اجزای نظام اندیشه‌ای وی اثر به‌سزایی دارد. به‌نظر می‌رسد آثار خود اندیشمند مورد مطالعه محمل مناسبی برای شناسایی این بحران‌های زمینه‌ای باشد که البته لزوماً نباید انتظار داشت وی مستقیماً بدان‌ها اشاره کرده باشد. در این صورت مطالعه تاریخی در شناسایی مسایل و بحران‌های پیش‌روی اندیشمند کمکیار پژوهشگر خواهد بود. با در نظر گرفتن دو بخش باورهای پایه (مبانی، اصول و اهداف غایی) و باورهای روبنایی (اهداف واسطی و فنون و روش‌ها)، در گام بعدی باید نسبت و جایگاه این باورها را در اندیشه اندیشمند تعیین نمود. به عبارت دیگر، با تعیین مبناگرایی معرفت‌شناختی اندیشمند یا عدم آن، چارچوب فهم و استنباط و تحلیل عناصر اندیشه‌ای وی فراهم می‌گردد. با توجه به غالب بودن مبناگرایی در میان متفکران مسلمان، در صورت تأیید این رویکرد و یافتن شواهد مربوطه، برای تبیین تکمیلی یا زمینه‌ای اندیشه اندیشمند مورد بررسی می‌توان نظام فکری (گفتمان، مکتب و یا پارادایم فکری) مربوطه را مورد توجه قرار داد. البته باید نسبت به

نوآوری‌های احتمالی هر اندیشمند نسبت به نظام فکری مبنا حساسیت داشت، و گرنه ممکن است برخی از تمایزهای اندیشه‌ای مورد غفلت قرار گیرد.

در همین راستا، شناسایی تطورات احتمالی در لایه‌های زیربنایی و یا روبنایی اندیشه اندیشمند باید مورد توجه قرار گیرد که دوره‌های اندیشه‌ای و نقاط عطف چرخش‌های فکری احتمالی را نشان می‌دهد. این امر به تکمیل چارچوب فهم و استنباط و تحلیل عناصر اندیشه‌ای کمک می‌کند که از جمله تحلیل مفاهیم و گزاره‌ها در آن صورت می‌گیرد.

شناسایی و فهم اجزای نظام اندیشه را می‌توان به‌طور کلی در دو بخش «آثار مکتوب» و «سیره عملی» پی گرفت. در این راستا، کتاب‌شناسی اندیشمند از دیگر گام‌های آغازین پژوهش‌های اندیشه‌شناسی است تا بر اساس آن، نمونه آماری آثار مورد مطالعه با دقت بیشتری انتخاب گردد و چه بسا برخی از آثار با توجه به اهداف پژوهش، در کانون قرار گیرند. گونه‌شناسی، نسبت‌یابی محتوایی و تاریخی و وزن و جایگاه هر اثر در میان مجموع آثار اندیشمند از جمله اقدامات لازمی است که باید در چارچوب فوق‌الذکر باشد. این بررسی می‌تواند در تشخیص اولیه تطورات فکری احتمالی اندیشمند چه در مبانی و پایه‌های فکری و چه در اندیشه‌های روبنایی سودمند باشد. در این صورت، شناسایی آثار اصلی هر دوره نیز اهمیت دارد.

معمولاً اندیشمندان از اصطلاح‌شناسی ویژه‌ی خود یا مکتب مربوطه بهره می‌برند که بی‌توجهی به آن، پژوهشگر را دچار سوءفهم می‌نماید. از این وجه ملاحظات ناظر به این امر، همچون تفاوت معنا و کاربرد واژگان نسبت به اکنون، عدم قائل شدن تمایزهای تخصصی و نابجا بودن تحمیل این تمایزها، گسترش معنایی برخی مفاهیم و بکارگیری واژگان یکسان در معانی متفاوت باید مدنظر پژوهشگر قرار گیرد. علاوه بر این، توجه به شبکه مفهومی مفاهیم اصلی می‌تواند در فهم و تعریف آن مفهوم نقش مؤثری ایفا نماید. کشف روابط میان مفاهیم بسته به نوع زبان به کار گرفته شده از جمله مراحل ناظر به این ملاحظه است. شناسایی مؤلفه‌های اصلی و مقوم نیز می‌تواند مورد توجه قرار گیرد.

با صدق نسبت نظر و عمل در اندیشمند، سیره عملی اندیشمند نیز می‌تواند در اندیشه‌شناسی کمک‌کننده باشد، هر چند تفسیر عمل و یافتن مبانی و نظام فکری پشتیبان آن با دشواری‌هایی همراه است که باید برای آن، تدبیر لازم صورت پذیرد. اعتبار گزارش‌ها و روایت‌های ذکر شده از سیره عملی اندیشمند از مهم‌ترین چالش‌های پیش روست.

لازم به ذکر این است که در صورت‌بندی اندیشه اندیشمند، بهره‌گیری از الگوهای مفهومی مقتضی است. علاوه بر الگوهای مفهومی ساخته‌ی پژوهشگر، به نظر می‌رسد الگوهای مفهومی و استعاره‌های به کار گرفته شده توسط اندیشمند نیز می‌توانند در مفهوم‌پردازی و الگوپردازی مفهومی کمک شایانی نمایند.

انتظار می‌رود با التفات به ملاحظات مذکور و ملاحظات مشابه آن، اندیشه‌شناسی با درجه وثاقت بیشتر و قابل‌اعتناتری صورت پذیرد و در دستیابی به الگوهای نظری و نظریه‌های بومی و اسلامی در علوم انسانی مؤثر باشند.

پژوهش حاضر چارچوب مذکور را که برآمده از اندیشه‌شناسی به‌صورت پس‌گستر است، در اندیشه امام خمینی(ره) به‌کار گرفته است. بر این اساس، بحران‌های اصلی زمانه ایشان - استعمار و مسأله وابستگی؛ استبداد و مسأله فقدان آزادی و عدالت؛ دین‌ستیزی و دین‌زدایی از یک سو کج‌فهمی و نافی‌دینی از سوی دیگر - به‌صورت درون‌متنی (به‌صورت غالب) و برون‌متنی (به‌صورت کمکی) را شناسایی و تبیین نموده است. همچنین بنا به شواهد، امام خمینی(ره) را ذیل رویکرد «مبناگرایی» تحلیل نموده است و دلالت این امر، جایگاه کلیدی باورهای پایه و زیربنایی در اندیشه ایشان است که در طول حیات فکری‌شان ثابت و بدون تغییر مانده است. در عین حال، می‌توان از تطور روبنایی در اندیشه امام خمینی(ره) در برخی حوزه‌ها از جمله سیاست و فقه سخن گفت که با توجه به تغییر شرایط اجتماعی و سیاسی جامعه، این تطور بر اساس مبانی و زیربنای فکری ایشان قابل توجیه است.

کتاب‌شناسی و سیره‌شناسی به‌عنوان دو جزء اصلی در اندیشه‌شناسی امام خمینی(ره) محوری هستند که البته به دلیل دشواری‌های سیره‌پژوهی، از این بخش عمدتاً به‌صورت تبعی و برای فهم بهتر موارد مبهم متنی بهره برده شده است. در متن پژوهی و تحلیل مفهومی و گزاره‌ای نیز ملاحظات مدنظر بوده است. در نهایت پیشنهاد شده است که در صورت‌بندی اندیشه امام خمینی(ره) و مفهوم‌پردازی‌های ذیل آن، از الگوهای مفهومی استفاده گردد که ایشان از آنها برای تبیین مقصود خویش کمک گرفته است. انتظار می‌رود بکارگیری این چارچوب، دریچه‌ی جدیدی را اندیشه‌شناسی تربیتی به‌ویژه در پژوهش‌های مربوط به اندیشه امام خمینی(ره) رقم بزند.

References

- Alamolhoda, J. (2006). *The Pedagogical Philosophy of the Movement of Imam Khomeini: A Critique on Objectivism & Dualism*. OROJ (In Persian)
- Bagheri, k., Sajjadih, N. and Tavasoli, T. (2010). *Approaches and research methods in the philosophy of education*. Tehran: Elmi & Farhangi Publication (In Persian)
- Bakhtiar Nasrabadi, H. (2012). *A Research to Educational Philosophy of Imam Khomeini*. Tehran: Research Institute of Imam Khomeini and Islamic Revolution (In Persian)
- Baratali Pour, M. (2011). *The structure of society and the religious state: a reflection on the political thought of Imam Khomeini*. Tehran: OROJ (In Persian)
- Boston-Kemple, Thomas Ernest (2012). *A conceptual analysis of key concepts in inclusive education*. PhD (Doctor of Philosophy) thesis, University of Iowa. Retrieved from: <http://ir.uiowa.edu/etd/2828>
- Coombs, J. R., & Daniels, L. B. (2008). Philosophical inquiry: Conceptual analysis, In C. Short (Ed.), *Forms of curriculum inquiry* (27-41). Tehran: Samt Publication (In Persian)

- Haqiqat, S.S. & Hejazi, S.H. (2010). "A critical Review at the application of Spragens's crisis theory in political studies". *Political Science*, Vo. 49, pp. 187-195 (In Persian)
- Hematifar, M. (2018). *The relation between Education & Politics in Imam Khomeini's thought: The Consistency of Power & HEDAYAT in Islamic Education*. Phd Thesis. Ferdowsi University of Mashhad (Unpublished) (In Persian)
- Hematifar, M., & Ahanchian, M. (2014). "A pattern to evaluate the compatibility of integration theory in the philosophy of education: A case study on the philosophical integration in Iranian Act for the Fundamental Evolution of Education". *Foundations of Education*, 3(2), 25-48 (In Persian)
- Jafari Harestani, A. (2015). *The Epistemological foundations of Imam Khomeini's thought; Emphasis on on anthropology and the theory of "FITRAT"*. Tehran: Basij Daneshjoie of Imam Sadeqh University (In Persian)
- Jamshidi, M (2009). *The political thought of Imam Khomeini*. Tehran: Research Institute of Imam Khomeini and Islamic Revolution (In Persian)
- Khomeini, S.R. (1997). *The Forty Hadith, An Exposition*. Tehran: The Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works (In Persian)
- Khomeini, S.R. (2000). *Sahifeh-e-Imam (Vols. 1-21)*. Tehran: The Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works (In Persian)
- Khomeini, S.R. (2006). *Narratives of Imam Khomeini's philosophy (Vols. 1-3)*. Tehran: The Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works (In Persian)
- Khomeini, S.R. (2012). *Adāb al-Ṣalāt (Manner of Prayer)*. Tehran: The Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works (In Persian)
- Khomeini, S.R. (n.d). *Kashf Alasrār*. Tehran: The Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works (In Persian)
- Lakzaee, N. (1999). "The Stability and transformation in Political thought of Imam Khomeini". *The Political Science (Bagher al-Olum University)*, vol. 5, 77-98. (In Persian)
- Lakzaee, N. (2008). *The evolution of political thought of Imam Khomeini*. Qum: The Research Institute for Islamic Culture and Thought (In Persian)
- Lakzaee, N. (2011). *An Introduction to the Quranic documentation of Imam Khomeini's political philosophy*. Qum: Bostan-e- Ketab. (In Persian)
- Lakzaee, N. (2015). *The Imam Khomeini's political thought*. Qum: The Research Institute for Islamic Culture and Thought. (In Persian)
- Mortazavi, S.K. (2007). "Explaining the methodology of political thought from the perspective of Quentin Skinner". *Research Letter of Political Science*, Vol. 3(NO 1), 159-191. (In Persian)
- Saadatmand, R. (2011). *The Lessons from the Imam: the mission of educators and academics*. Qum: Tasnim Publication. (In Persian)
- Soltis, J. F. (2008). *An Introduction to the Analysis of Educational Concepts*. (Sajadi, S.M., Trans.). Tehran: Saramad Kavoush. (In Persian)
- Spragens, T. A. (2013). *Understanding of Political Theory*. Tehran: AGAH. (In Persian)
- Taherzade, A (2013). *The Conduct Under the personality of Imam Khomeini*. Isfahan: Lob-ol-Mizan Publication. (In Persian)

- Tellings, A. (2001). "Eclecticism and Integration in Educational Theories: A Metatheoretical Analysis". *Educational Theory*, 51(3), 277-292. (In Persian)